بسم الله الرحمن الرحیم

رهبرم می گفت ((دانشگاه فرهنگیان یا به تعبیر قدیمی دانشگاه تربیت معلّم، دانشگاه است لکن با دانشگاه های معمولی فرق دارد، علاوه بر امتیازاتی که دانشگاه های دیگر دارند، امتیاز تربیت معلّم مخصوص این دانشگاه است، این شرایطی دارد. به این دانشگاه خیلی باید اهمیت داد.))

اما...

دوسال از تاسیس دانشگاه فرهنگیان گذشته است. دانشگاهی که با تغییر نام خود از تربیت معلّم به دانشگاه فرهنگیان قرار بود سروسامان جدیدی بگیرد و در مسیر پویایی قدم بگذارد. اما این تغییر نام برای جامعه بزرگ فرهنگیان ایران گران تمام شد. چرا که سبب شد اهمیّت رسالت تربیت معلّم با این تغییر فراموش شود.

مجموعه ای که سال ها نقش پرورش معلّم را برای کشور عزیزمان بر عهده داشت و باعث دلگرمی خانواده هایی بود که فرزندان دلبند خود را برای امر آموزش در اختیار معلمان متعهد و مقید به ارزش های اسلامی و انقلابی می گذاشتند، با تغییر نام این روز ها  به جولان گاه افکار متضاد نظام آموزش و پرورش و دیدگاه های مخالف دانشگاه شدنش تبدیل شده است.

سال 91 دانشگاه فرهنگیان شکل گرفت و به طور رسمی فعالیت خود را در نظام آموزشی کشور آغاز کرد تا شاید بتواند مردان و زنانی را تربیت کند که فرزندان عزیز ایران اسلامی را پرورش و آموزش دهند. جذب دانشجو از طریق آزمون سراسری باعث شد که سیل عظیمی از جوانان داری صلاحیت، مشتاق حضور در دانشگاه فرهنگیان باشند، تا بتوانند برای قرار گرفتن در جایگاه خطیر معلّمی آموزش های لازم را ببینند و راه بزرگان دین و علم را در پیش بگیرند. جوانانی که در عصر انفجار اطلاعات و تکنولوژی معلّمی را انتخاب کردند که بی شک چیزی جزء عشق و علاقه نمی توانست علت این انتخاب باشد. با ورود اولین گروه دانشجو ها در بهمن ماه سال 91 کار آموزش معلّم آغاز شد و یک چشم انداز ابتدائی 4 ساله برای دانشجو معلّم ها ترسیم شد تا بتوانیم شاهد اولین حضور نسل جدیدی از معلّمان در کلاس های درس باشیم. معلمانی که علاوه بر دانش علمی قرار است نسبت به نیاز های احساسی و عاطفی کودکان و نوجوانان امروزی آگاهی کامل داشته باشند و در حیطه ی روانشناسی نیز دغدغه های این سنین را به خوبی بدانند.

هنوز چند ماهی از تولد این فرزند سیستم آموزش و پرورش نگذشته بود که مقارن گشت با انتخابات ریاست جمهوری در کشور، بعد از انتخابات و تنفیذ رئیس جمهور جدید و معرفی اعضاء هیئت دولت، برگ تازه ای در زندگی این فرزند رقم خورد. در حالی که همزمان با این تغییرات شاهد شور و نشاط جوانانی بودیم که با قبول شدن در این دانشگاه غایتی روشن و مشخص برای خود تصور می کردند. و جانانه در تلاش بودند مطالبی را بیاموزند که به توانند به بهترین شکل پاسخ گوی دانش آموزانی باشند که در آینده ی نه چندان دور در مدرسه انتظار آن ها را می کشیدند.

پس از تعیین سرپرست جدید دانشگاه، دانشجویان ورودی 91 دانشگاه که من هم جزء کوچکی از آن ها هستم، تنها گروهی بودند که دو دیدگاه و عقیده ی متفاوت را نسبت به تربیت معلّم در مدیریت دانشگاه به عنوان دانشجو تجربه کردند و چشم امید به ثبات در دانشگاه بستند. چرا که یکی از شریط پرورش معلّم به حداقل رساندن نیاز ها و دغدغه های ذهنی آن است که این تغییر و تحول در آغازین روز های تحصیل دانشجومعلّم ها حاکی از شکل گیری دغدغه ای جدید بود.

کادری توسط سرپرست جدید دانشگاه بسته شد که از لحاظ علمی دارای نمره ی قبولی هستند اما چقدر از نظر مدیریت توانستند به موفقیت برسند جای تامل دارد. چرا که ما دانشجویان در طول این دوسال به عینه شاهد تغییر نظر و دیدگاه در دانشگاه گشته ایم، تفاوت بین دیدگاه یک کادر معلّم و دیدگاه  یک کادر صرفا پژوهشگر. و تنها افرادی هستیم که از نزدیک شرایط را لمس کرده و متحمل فشار تفاوت دیدگاه ها گردیده ایم. هر ماهه شاهد تصمیم گیری های جدیدی توسط کادر مدیریت دانشگاه بوده ایم که سبب گشته از اشتیاق دانشجویان روز به روز نسبت به قرار گرفتن در جایگاه معلّمی کاسته شود و با جرات خواهم گفت که احساس بی انگیزگی و بی تفاوتی جایگزین آن شده است. دانشجویانی که بهترین دوران زندگی یعنی جوانی خود را صرف آموزش حرفه و هنری کرده اند که گویی چندان اهمیتی برای مسئولین دانشگاه ندارد.

کلاس های درس که قرار بود دانشجو معلمان را به شمع سوزانی مبدل کند که پروانه های تازه سر از پیله برآورده را به دور خود جمع کند، تبدیل به یک گذران وقت یکنواخت گشته است و فضای خوابگاهی که می توانست شاهد تشکیل حلقه های علمی و تربیتی بین دانشجو ها شود، رنگ گوشه گیری و صحبت پیرامون دغدغه های مالی و رفاهی را به خود گرفته است.

اما در روز های سپری شده دغدغه ی جدیدی برای ما دانشجومعلّم ها شکل گرفت و آن هم بیان لغو تعهد خدمت بود که بیان این موضوع در روز های نزدیک به امتحانات دانشجویان، همراه گشت با سکوت ابتدائی وزارت و سرپرست دانشگاه و شعله ور شدن جوش و خروش درونی درمیان دانشجویانی که خود را برای نتیجه آماده می کردند. مساله ای که بیان ناآگاهانه و بدون تامل آن از سوی یکی از اعضاء دولت بار دیگر دانشگاه فرهنگیان را مرکز توجه رسانه ها و مطبوعات قرار داد.

 این روز ها هم صحبت از جلسه ای مهم است که قرار است در آن رای اعتماد یا عدم رای اعتماد سرپرست دانشگاه فرهنگیان توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مشخص شود. جلسه ای که بار ها با خواست وزارت آموزش و پرورش به تعویق افتاده است، شاید برای صرف زمان برای جبران و شاید هم برای همسو کردن دیدگاه های مخالف با خود.

ما دانشجویان دانشگاه فرهنگیان چشم به در هایی بسته ایم که قرار است در پشت آن تصمیم جدی گرفته شود که این تصمیم گره خورده است به تربیت نسل های آینده سرزمینمان و زندگی و سرنوشت شغلی و تحصیلی جوانانی که روزی با علاقمندی و سفارش بزرگان دین و الگو هایی هم چون باهنر و رجائی در این مسیر قدم گذاشته اند، تصمیمی که مشخص خواهد کرد آیا چشم انداز ایران اسلامی که بخشی از آن تربیت نیروی متخصص و انقلابی برای نظام آموزشی است حائز اهمیت است و یا...

به امید تحقق سخنان رهبر معظم انقلاب پیرامون دانشگاه فرهنگیان

 بهرام زینتی دانشجوی دانشگاه فرهنگیان